

## افراد دارای هذیان دنیا را از چشم ذهن‌شان می‌بینند

یک بررسی جدید سازوکاری را مشخص کرده است که مغز هذیان‌ها را ایجاد می‌کند و تداوم می‌بخشد.



همشهری آنلاین: یک بررسی جدید سازوکاری را مشخص کرده است که مغز هذیان‌ها را ایجاد می‌کند و تداوم می‌بخشد.

باورهای انسان بر اساس ادراکات او شکل می‌گیرد، اما به گزارش لایوساینس یک پژوهش جدید نشان می‌دهد که هذیان‌ها- باورهای بی‌پایه‌ای که فرد به شدت آنها را حفظ می‌کند- می‌توانند در جهت عکس عمل کنند و در واقع ادراکات را شکل دهند.

بر اساس این بررسی افرادی که در معرض دچار شدن به هذیان‌ها هستند، ممکن است به درستی میان درون‌دادهای حسی متفاوت تمییز دهند و برای درک جهان بر این هذیان‌ها تکیه کنند. هذیان‌های معمول شامل افکار پارانوئیدی (سوءظنی) یا خودبزرگ‌پنداری است.

فیل کورلت از دانشگاه بیبل در نیوهیون کننتیکت که در این بررسی شرکت داشته است، می‌گوید: "باورهای برای این شکل می‌گیرند که غافلگیری ما در برابر دنیا را به حداقل برسانند. انتظارات ما بر آنچه واقعا می‌بینیم غلبه می‌کند."

تصور غالب این بوده است که افرادی که برای این هذیان‌ها را شکل می‌دهند تا رویدادهایی را که در زندگی‌شان روی خواهد داد، پیش‌بینی کنند- درست مانند سگ پاولوف که آموخته بود پیش‌بینی کند، صدای زنگ به معنای آن است در مدت کوتاهی به او غذا داده خواهد شد. به گفته کورلت انسان‌ها هنگامی در باورهای‌شان تجدیدنظر می‌کنند که پیش‌بینی بر مبنای این باورها با آنچه واقعا تجربه می‌کنند، تطبیق نکند.

اما در مورد هذیان‌ها به نظر می‌رسد در اغلب موارد باور فرد بر شواهد ادراکی غلبه می‌کند. پژوهشگران آلمانی و سوئدی برای آزمودن این نظر، رشته‌ای تجربیات رفتاری و تصویربرداری مغزی را بر روی گروهی از افراد سالم بود که دارای هذیان‌هایی بودند.

در یکی از این تجربیات، افراد داوطلب پرسشنامه‌ای را پر می‌کردند که برای اندازه‌گیری باورهای هذیانی طراحی شده بودند و حاوی پرسش‌های از جمله مانند این بود: آیا تا به حال احساس کرده‌اید که دیگران فکرتان را می‌خوانند؟؛ آیا تا به حال احساس کرده‌اید که توطئه‌ای بر ضد شما جریان دارد؟؛ آیا اغلب موارد نگران آن هستید که همسرتان به شما خیانت کند؟

سپس این افراد کاری را انجام می‌دانند که ادراک دیداری‌شان را ارزیابی می‌کند؛ به این افراد مجموعه‌ای از نقاط کره‌ای شکل نشان داده می‌شد که در جهت مبهمی می‌چرخیدند، و از این افراد خواسته می‌شد که تعیین کنند این چرخش در فواصل زمانی گوناگونی در کدام جهت انجام می‌گیرد.

افرادی که بر اساس پرسشنامه نمره بالاتری از لحاظ افکار هذیاین گرفته بودند، نسبت به افرادی که نمره میانگین داشتند، تغییر جهت چرخش نقطه‌ها در موارد بیشتری گزارش می‌کردند. این نتیجه یافته‌های بررسی‌های پیشین را ثابت می‌کند که نشان می‌دهند، ادراکات افراد دارای افکار هذیانی از جهان پایداری کمتری دارد.

در تجربه دوم، به داوطلبان عینک‌هایی داده شد و به این افراد گفته شد این عینک‌ها باعث خواهد شد که از دید آنها جهت چرخش نقطه‌ها در یک جهت بیش از چرخش آنها در جهت دیگر شود- با توجه به این که این عینک‌ها کاملا عادی بودند و چنین تاثیری نداشتند، در واقع یک هذیان به آنها القا شد. سپس این افراد آزمون تماشای چرخش نقطه‌ها را در یک مرحله آموزش و یک مرحله آزمون انجام دادند.

در مرحله آموزشی این نقاط به طور واضح در یک جهت می‌چرخیدند، اما در مرحله آزمون جهت چرخش نقطه‌ها مبهم بود.

این داوطلبان هنگامی این عینک‌ها را می‌زدند، حتی در مرحله آزمون، گزارش می‌کردند که نقطه‌ها در جهتی می‌چرخند که به تصور آنها عینک‌های‌شان باعث دیده شدن آن به این صورت می‌شد.

آنها به این هذیان عینک‌ها دیدشان را تغییر می‌دهند، چسبیده بودند، با وجود اینکه شواهد ادراک بینایی‌شان با این نظر متناقض بود، و به این ترتیب آنها از باورهای هذیانی‌شان برای تفسیری چیزهایی که داشتند می‌دیدند، استفاده می‌کردند.

تجربه سوم مشابه تجربه دوم بود، اما هنگام انجام آزمون با ام آر آی کارکردی (fMRI) از مغز این افراد تصویربرداری می‌شد. این تصاویر نشان داد که هنگامی که افراد درباره جهت چرخش نقطه‌ها باوری هذیانی دارند، مغز طوری این هذیان را رمزگذاری می‌کند که گویی واقعا این نقطه‌ها در آن جهت حرکت می‌کند. به عبارت دیگر موضوع فقط این نبود که افراد در این حالت چیزهایی را که می‌دیدند، نادیده می‌گرفتند؛ آنها واقعا آن چیزها را به صورتی چیزی دیگر می‌دیدند.

به علاوه این اسکن‌های مغزی ارتباطاتی میان یک منطقه از مغز که در باورها دخیل است، "قشر اربیتوفرونتال"، و بخشی که در پردازش بینایی دخیل است، "قشر بینایی"، را نشان داد (هر دوی این مناطق در حین مشاهدات هذیانی فعال بودند).

کورت این نتایج را بسیار جالب‌توجه می‌خواند. او می‌گوید این بررسی توضیح دقیقی از رابطه میان باور و ادراک و چگونگی ایجاد اشتباه در این رابطه را به دست می‌دهد. البته او یادآور می‌شود که هنوز زود است که این نتایج را به افراد دچار هذیان‌های بیمارگونه، مانند آنچه در اسکیزوفرنی دیده می‌شود، تعمیم داد.